

ضمیمه نامه بهارستان

از شمار دوپشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش



دکتر اصغر مهدوی (۱۲۹۳-۱۳۸۳)

مشاور علمی مجله نامه بهارستان

دکتر اصغر مهدوی و نسخه‌های خطی*

یادکرد از نسخه‌شناس برجسته دکتر اصغر مهدوی در این آئین پرشور بی‌گمان حکایت از آن دارد که گروه دلبستگان و پیوستگان به رشته‌های مرتبط با قلمرو نسخه‌های خطی مقام والای آن دلباخته‌راستین و فریفته‌نسخه‌داری و نسخه‌شناسی را به خوبی می‌شناسند و ارج می‌گذارند. پس اجازت خواهد بود تا رهسپری که قافله‌سالار بزرگواری را از دست داده است عباراتی چند درباره‌ی عوالم مهدوی با نسخه‌ی خطی به عرض برساند.

دکتر اصغر مهدوی از عاشقان بی‌قرار نسخه‌ی خطی – چه مجلل و چه معمولی – و اوراق پریشیده و مندرس پیشینه بود. او از سال ۱۳۳۶ که پس از تحصیلات عالی و اقامت اضطراری در فرانسه باشنده‌ی شهر طهران شد با دارندگان نسخه‌های خطی، با شناسندگان نسخه‌های خطی، با کتابداران نسخه‌های خطی، با فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی همنشینی و همسخنی یافت. و در مجلس‌های عام و مجالست‌های دوستانه همواره جویای آگاهی‌یابی و آموزش دیدن درین زمینه‌ها بود. خود نیز هیچ‌گونه دریغی نمی‌داشت تا آنچه را که می‌دانست و آنها را به ژرفی و خوبی فرا گرفته بود بیاموزاند. این خصیصه‌ای است بسیار دوست‌داشتنی که اگر اغراق نباشد در همه‌ی نسخه‌شناسان نبوده است.

شاید او بیش از همه از آگاهی‌ها و مهارت‌های دوست‌خاندانی خود – دکتر مهدی بیانی – بهره‌وری پیدا کرد. دیگری جعفر سلطان‌القرایی تبریزی بود که گاهی با مهدوی به حجره‌ی او سر می‌زدیم. مهدوی از محضر محمدتقی مدرس رضوی – سیدمحمد مشکوة و مجتبی مینوی هم نکته‌های بسیار آموخته بود، و باید یادکرد از مذاکرات منظم و مفصلی که با محمدتقی دانش‌پژوه و دکتر علینقی منزوی – از هنگامی که این دو در کتابخانه‌ی دانشکده حقوق بودند و مهدوی دانشیار آنجا بود – و سپس با دکتر عباس زریاب خونی، عبدالله انوار و عبدالحسین حائری در جلسات تقویم نسخه‌ها میانشان رد و بدل می‌شد و نکته‌های دقیق از آن گفتگوها به دست می‌آمد.

آنچه مهدوی در زمینه‌ی نسخه‌شناسی و رموز و اصطلاحات و ریزه‌کاری‌های مربوط به ضوابط و قواعد کار فرا گرفته و به اصطلاح عمومی بر «فوت و فن کاسه‌گری» آگاهی همه‌جانبه یافته بود (از کاغذ و خط بگیرد تا شیرازه‌بندی و وصالی) نتیجه‌ی آن معاشرت‌ها و هم‌صحبتی‌ها و حتی بهره‌وری از مذاکراتی بود که با فروشندگان آموخته‌ی نسخه‌های خطی می‌داشت. ورنه می‌دانیم کتابی و رساله‌ای گویا و همه‌جانبه نداشته‌ایم که راهنمای دستیابی خواستاران جوینده به چنان مباحثی باشد. در روزگاری که رواج نسخه‌های خطی همچون وجود کتاب‌های چاپی در روزگار ما بوده است طبعاً وراقان و نسخه‌شناسان ضرورتی نمی‌دیدند که مجموعه‌ای از اطلاعات و اصطلاحات آن رشته را گرد آورند و به یادگار بگذارند. نظرشان بر آن بوده است که اهل علم و فضل خود بر این مباحث آگاهی دارند.

مهدوی در این مراتب چنان برجستگی پیدا کرده بود که با گشودن نسخه و دیدن رنگ و روی آن به یک نظر می‌گفت که از چه زمان و از چه دیار است و چون سطوری از متن را می‌خواند و شیوه‌ی رسم‌الخط آن را می‌شناخت و به انجامه‌ی آن می‌نگریست و با تورتی دو سه باره، چگونگی اصالت ضبط و صحت و اعتبار و قدمت نسخه را با رأی ثاقب وانمود می‌کرد. در مورد نسخه‌هایی که آرایشی و دارای سرلوح و شمسه و ترنج و لچکی و علائم شنگرفی و جداول چندخطه و تحریر و تشعیر و دیگر آراستگی‌های هنری بودند بسیار وسواسی و موشکاف می‌شد، از این روی که درست دریابد که پایه و مایه و هویت واقعی نسخه چیست. همواره نگران می‌بود مبادا که به دست جعلان و عتیقه‌سازان، سمساران و کهنه‌سازان و بالاخره مخدوش‌گران، دستکاری‌های شیطانه‌ی استادانه در آنها شده باشد.

مهدوی پس از پایان بردن تحصیلات دانشگاهی و مآلاً پس از گذراندن گرفتاری‌هایی که او را مجبور به اقامت در اروپا گردانیده بود، چون به ایران بازگشت به جهان نسخه‌ی خطی پیوسته شد و به گردآوری نسخه‌های خوب دلبستگی عاشقانه یافت و چون در آن سال‌ها کتابخانه‌ها همیشه آمادگی یا توانایی مالی به خریدن نسخه و کتاب نداشتند طبعاً برای او فرصتی پیش آمده بود که نسخه خریداری کند و بر مجموعه‌ای که از نیا و پدرش گرد کرده بودند و به توارث به او رسیده بود بیفزاید. دکتر مهدی بیانی که دوست نزدیک

* نوشته‌ای است که در آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی (تهران، ۵ آذر ۱۳۸۳) خطاب به «خاندان معزز مهدوی – دوستان و گردآمدگان ارجمند» خوانده شد. (۱.۱).



و همشاگرد برادر او - دکتر یحیی مهدوی - بود و به خانه آنها رفت و آمد دیرینه و پیشینه و دوستانه داشت اگر نسخه‌ای می‌یافت که کتابخانه‌ها نمی‌خریدند و ممکن بود از دست برود و از ایران خارج شود آن‌را به دکتر اصغر مهدوی معرفی می‌کرد. فهرستی که محمدتقی دانش‌پژوه از مجموعه خطی‌های مهدوی به چاپ رسانیده است حاوی مشخصات نسخه‌هایی است که قسمتی به توارث به مهدوی رسیده بود و قسمتی خریداری شخص اوست. موجب خوشوقتی است که مهدوی در این چند سال اخیر درصدد برآمد تا فهرست تفصیلی دیگری از آن مجموعه زیر نظر او فراهم شود و برای این منظور از دوست گرامی آقای اشک شیرین خواست که بدین کار بپردازد.

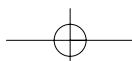
اصغر مهدوی خریدار هر نسخه پیش پا افتاده نبود. نسخه دوست گوهرشناس بود. کوشش او بر آن بود که نسخه به جہتی از جهات دارای گونه‌ای از ممیزات باشد از قبیل خطِ عالم بودن، خطِ خوش بودن، خوش طرح و ترکیب بودن، قدیمی بودن، جلد خوب داشتن، احتمالاً یگانه بودن، ندرت به خط مؤلف بودن، مضبوط و با حیثیت بودن و طبعاً چند «باشد» و «بودن» دیگر. نمونه‌ای از آنها دو مجموعه‌ای است از رساله‌های فلسفی و عرفانی و منطقی و کلامی که در سلسله مرکز نشر دانشگاهی به نظارت دکتر نصرالله پورجوادی و فهرست‌نگاری مهدی قمی نژاد - دوستی که با مهدوی در چاپ کتاب سیره یاری کرده است - به چاپ نسخه‌برگردان انتشار یافته است: یکی به نام «جنگ مهدوی» و دیگری به نام «مجموعه فلسفی مراغه»، و این هر دو از نوادر مجموعه‌هاست.

مهدوی در نشان دادن نسخه‌های خود و دادن عکس از آنها هیچ‌گونه «گرفت وگیری» نداشت. مرد بخل و ضنّت علمی نبود. از نشر شدن و پخش شدن نسخه‌ها شاد می‌شد. به مانند دیگر نسخه‌داران در مخیله‌اش نمی‌گنجید که با چاپ شدن آنها نسخه از ارزش بازاری می‌افتد. او چون از رسته عالمان بود نشر وسایلی را که موجب گسترش علمی می‌شد واجب می‌دانست. بسیارند کسانی که از این گشاده‌دستی مهدوی بهره‌ور شده‌اند و در مقدمه عده‌ای از متون چاپ شده فارسی دیده می‌شود که در تصحیح آنها به کتابخانه مهدوی ارجاع داده‌اند.

در جلسات تقویم نسخه‌های خطی برای کتابخانه‌های مجلس‌های دوگانه پیشین، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و سازمان اسناد ملی، او رکن استواری بود. اعتقاد اعضای این جلسات و شاید بیش از همه مهدوی بر این بود که حتی المقدور کتاب‌های خطی و اسناد قدیمی از دست نرود، پس باید تنگ‌نظری نداشت چون اساس هدف آن بود که آثار در کتابخانه‌های کشور بماند. همیشه هم بر این بنیان و عقیده رفتار می‌شد مگر آنکه فروشنده بیش از حد طماع، زرنگ و دندان‌گرد می‌بود. این‌گونه فروشندگان چون خوب می‌دانند که آثار قدیمی در بازار جهانی بیش‌بهاست پس به لطائف‌الحیل می‌کوشند بهای بهتر و بیشتری به دست بیاورند.

هماره در جمع ما اعتقاد بر این بود که آن آثار مایملک کسانی است که خودشان یا اجدادشان در نگاهبانی نسخه‌ها کوشیده‌اند و اگر آن را از صندوقخانه به در آورده‌اند و می‌فروشند احتمالاً و معمولاً به لحاظ احتیاج مالی است و این رسم قدمتی دارد هم‌روزگار با نسخه‌های خطی. می‌دانیم که در روزگاران گذشته نسخه خطی دست به دست می‌گشته و از اقلیمی به اقلیمی دیگر می‌رفته و مرز و سامانی را نمی‌شناخته است. بنابراین مسلم بود که اگر کتابخانه‌ها نسخه‌ها را نخزند فروشنده مجاز و محق می‌شود که آن را به دلالتان بفروشد. در این صورت کتاب یا به خارج می‌رفت یا به بهایی گرانتر پس از چندی به یکی از کتابخانه‌ها فروخته می‌شد. مهدوی می‌گفت باید به راهی رفت که کتاب در همان وهله اول خریده شود و گرفتار دلال‌بازی نشود.

مهدوی در تقویم نسخه‌ها دوگونه رفتار داشت: اگر نسخه‌ای مجلل، مضبوط، دیرپاب، کم شناخته بود، و یا به هر مناسبت دیگری که ارزشمندی نگاهداری داشت بی‌تأمل با بلندنظری نظر خود را قاطعاً می‌گفت و اغلب بی‌تأملی مورد قبول قرار می‌گرفت. اما در مورد کتاب‌هایی که امثال و اقران داشتند و از چنان مراتب ممتاز یعنی «نسخه» بودن به مصطلح کتابشناسان فرو افتاده‌تر بودند،





منتظر می ماند که دیگری مبلغی را پیشنهاد کند. در این موارد گاه می شد که می گفت کم است و بهتر است که فلان مبلغ بر آن افزوده شود. در قلمرو اسناد تاریخی دوران قاجاری او از یکتایان بود. در خاندانی بزرگ شده بود که روزانه نام رجال و بزرگان آن دوره بر زبان می رفته است و از زبان پدر و دوستان پدر با نام های پیشینیان خود آشنایی گرفته بود و با دیدن نامه ها و اوراق بازمانده از آنها — که در خانه پدرش مانده بود آگاهی هایش جنبه مستند و ژرف و گسترده پیدا کرده بود. مدتی بیش از چهل سال آن اسناد را ورق ورق می گشود و می دید و به نظم درمی آورد و در جای مخصوص به خود می گذاشت. و به اصطلاح خودمانی با آنها «ور» می رفت.

او سعادت مند بود که در این کار دشوار و درازدامن مدتی از خط شناسی و آگاهی های تاریخی دکتر حسین محبوبی اردکانی و از همکاری دلسوزانه مهدی قمی نژاد و اخیراً سرکار خانم نرگس پدرام بهره ور شد.

مهدوی درباره تاریخ دوره متأخر قاجار یعنی از نیمه دوم پادشاهی ناصرالدین شاه و مخصوصاً در احوال و خصائل رجال از آگاهان بود. کتاب های مستند و مفید در مورد آن دوره را با علاقه می خواند و در آنها به نکته یابی می پرداخت. از آن زمره است رساله فوق لیسانس خانم شهنواز به نام «راهنمای القاب دوره قاجار» که در زمان تهیه شدن (سی و چند سال پیش) کاملاً تازگی داشت و من نسخه ای از آن را به مناسبت آنکه آن بانوی گرامی افتخار راهنمایی رساله را از من خواسته بود به مرحوم مهدوی دادم تا از نظر ایشان بر آن رساله آگاه شوم. مهدوی بسیار پسندید و آن را برای پژوهندگان تاریخ قاجاری وسیله دم دستی دانست. نسخه ای از آن گرفت و به محض آنکه به لقب تازه ای برمی خورد به آن رساله می نگریست و چنانچه آن لقب در آن نبود فوراً با مشخصاتی که ضرورت داشت بر آن رساله می افزود. نسخه مهدوی بدین ملاحظه پراز یادداشت شده است و از زمره کارهایی است که با شورمندی و وسواس انجام می داد. مهدوی دوستان و پژوهندگان را از گنجینه اسناد خود محروم نمی کرد. دکتر فریدون آدمیت، دکتر هما ناطق، دکتر ناصر پاکدامن، دکتر محمد اسمعیل رضوانی، دکتر حسین محبوبی اردکانی، دکتر رضا شیخ الاسلامی، دکتر جان گرنی، دکتر شیرین مهدوی، دکتر کریم سلیمانی و چند تنی دیگر که نام شریفشان را در خاطر ندارم از این اوراق و اسناد در نوشته ها و پژوهش های خود بهره وری داشته اند. مهدوی خودش درباره این مجموعه کلیاتی را در جزوه ای نوشت که به زبان فرانسه بود و اینک ترجمه فارسی آن به قلم آقای محمد حسین مرعشی در دسترس قرار گرفته است.

نمونه ای گویا از این مجموعه پرونده مربوط به شهر یزد است و کتاب چهارصد صفحه ای «یزد در اسناد امین الضرب» بر آن اساس فراهم آمده.

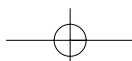
در این کتاب ضمن معرفی اسناد و نویسندگان آنها (یعنی نامه ها) مواردی از مطالب مهم و کلیدی هر نامه نقل و دسته بندی شده است. این کتاب دو جنبه از حیات اقتصادی و اجتماعی یزد را از دوره ناصری تا عصر احمدشاهی می نمایاند: یکی تجارت است که یزد زندگی و وابسته بدان بود. دیگر مباحث مربوط به ملکداری زراعی است. از این روی که اگر صاحب ثروتی در آن شهر می بود مال خود را در آبادانی املاک مزروعی و ایجاد قنوات مصروف می کرد، زیرا قدمای آنجا می گفته اند که زمین میخ طلاست. (شنیده از پدرم).

مهدوی با کوشش چند ساله و خواندن هزاران برگ از نامه های مضبوط در پرونده های یزد یادداشت هایی را فراهم کرد که در آن کتاب آمده است. آن کتاب گوشه ای است نمایان از کیفیت دیگر اوراقی که هر برگش به جان مهدوی بسته بود و مهدوی با رنج بسیار نگاهبانی آنها را وظیفه علمی و ملی خود می دانست.

باید دانست که برای ده پانزده شهر دیگر ایران و ده بیست موضوع مربوط به تاریخ عصر قاجار از قبیل گمرک، بازار، قحطی، ابریشم، صرافیه، امتعه وارداتی و چهل پنجاه گفتار مبسوط در احوال رجال و تجار آن دورانه از میان این اوراق و اسناد می توان کتاب های مفید به وجود آورد. بیش از این عرضی ندارم.

چون مرا دل بود با او برقرار دل شد و با دل قرار از دست رفت

* * *





پاره‌های زیر بخش‌هایی از مقاله استاد ایرج افشار «به یاد دکتر اصغر مهدوی» است که در مجموعه حدیث عشق ۶،*
به مناسبت درگذشت آن شادروان، منتشر گردیده و حکایت پیوستگی آن استاد فقید با نسخه‌های خطی
از زبان بزرگ مردی است که خود نزدیک به پنجاه سال با او همدم و همراه بوده است:

■ به هر اندازه که از ورود در کارهای اداری و رسمی دوری می‌جست در مواردی که مربوط به قلمرو نشر کتابهای جلدی و خرید نسخه‌های خطی بود و او می‌توانست همکاری داشته باشد از قبول خدمت خودداری نداشت. سالهای دراز عضو شورای کتابخانه مجلس بود. جز آن در گروه تشخیص و تقویم نسخه‌های خطی آن کتابخانه شرکت مؤثر داشت. همزمان، کتابخانه‌های مجلس سنا و مرکزی دانشگاه تهران در همین زمینه از اطلاعات بسیط و دانش تخصصی او بهره‌یاب می‌بودند. او از تاریخ ۱۳۵۱/۱۲/۷ عضو کمیته کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود و نیز عضو کمیته خرید نسخه‌های خطی آنجا از تاریخ ۱۳۵۲/۴/۵ ...

کتابخانه‌های ملی و ملک هم در موارد خاص نظر او را خواستار می‌شدند. او بهای نسخه را با عنایت و نگرش علمی و رعایت جوانب دیگر مشخص می‌کرد. گاهی که صورت مجلس برای امضا حاضر شده بود می‌گفت حق این است که فلان قدر بر مبلغی که نوشته شده است افزوده شود. مبادا صاحب کتاب آن را نفروشد و کتاب از دست برود. یا اینکه ناراضی باشد و به مناسبت احتیاج مجبور بشود که به تقویم ما تن بدهد. ضمناً باید بگویم که هیچ‌گاه از بابت ساعاتی که مصروف این خدمت کرد دیناری نپذیرفت، یعنی به رایگان خدمتگزار بود.

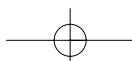
در رشته شناخت نسخه‌های خطی از تیزبینان و نادره‌شناسان بود. خودش از دوره بازگشت به ایران به خریداری نسخه‌های خطی علاقه‌مندی پیدا کرده بود. چون درین زمینه ذوقی پخته داشت بسیار کارآمد و در کهنه‌جویی عاشقانه در پی یافتن خطوط خوشنویسان بود. طبعاً به تدریج بر زیر و بم نسخه‌شناسی و ضوابط و قواعد خاص و پیچیده آن وقوف پیدا کرد و در هم‌نشینی با نسخه‌شناسانی چون جعفر سلطان‌القرایی و دکتر مهدی بیانی توانست در آن رشته به خبروایت مسلّم برسد. نسخه را که باز می‌کرد به یک نگاه حکمی کارشناسانه درباره آن می‌کرد. اغلب درست و قاطع بود. در تقویم کردن نسخه‌ها مال‌اندیش و دلسوز بود. قدر نسخه خطی را می‌شناخت و همیشه نیتش بر آن بود که نسخه‌ها خریداری شود تا در کتابخانه‌های کشور بماند. ضمناً می‌گفت فروشنده نسخه خطی حتماً باید به حق خود برسد زیرا خودش یا اسلافش آن را نگاه داری کرده‌اند. می‌گفت شک نداشته باشید اگر امروز فروشنده شده است اغلب به مناسبت آن است که نیازمند شده‌اند.

■ برای نشان دادن میزان علاقه‌مندی او به نسخه خطی می‌توانم یاد کنم از روزهای بسیاری را که شخصاً صرف وصالی اوراق پریشیده قرآن کهنه اوراق شده‌ای کرد. می‌گفت اگر به دست وصال بدهم با این دقت و دلسوزی نمی‌تواند نسخه را چنانکه شایسته است آماده تجلید کند. چون آماده شد آن را به دوستان مهندس محمدحسین اسلام‌پناه مقیم کرمان سپرد تا جلدی مناسب برای آن فراهم سازد. بخل و ضنّتی نداشت که از نسخه‌های پرارزش او عکس برداری بشود. به همین ملاحظه اجازه داده بود تا عکاس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از نسخه‌هایی که کتابخانه علاقه‌مند به آنها می‌بود عکس تهیه کند. اخیراً هم دیدیم که دو مجموعه کهنه از کتابخانه او به نامهای «جنگ مهدوی» (مورخ ۷۵۳) و دیگری به نام «مجموعه فلسفی مراغه» (مورخ ۵۹۶) توسط مرکز نشر دانشگاهی، به همت دکتر نصرالله پورجوادی و فهرست‌نگاری مهدی قمی نژاد به چاپ عکسی رسید و فایده مندرجات آنها عام شد. این دو مجموعه در برگزیده رساله‌های فلسفی و حکمی و عرفانی و از شمار نوادر مخطوطات است. اگر مهدوی به مانند اکثر مجموعه‌داران طمعکار یا بخیل کردار، جسم نسخه را از آن خود می‌دانست هرگز رضایت نمی‌داد که چاپ نسخه‌برگردان از آنها به دسترس دانشی مردان نرسد، به تصور موهوم آنکه ممکن است از بهای پولی آن کاسته شود.

او خود را نگاهبان نسخه می‌دانست ولی به مانند کتابداری رفتار می‌کرد که مسؤولیتش به اصطلاح امروز اطلاع رساندن و دست‌یاب کردن مراجع و منابع پژوهشی است. او عاشقانه ولی با چنان خصیصه‌ای به نسخه نگاه می‌کرد. البته به حق در حفاظت و ماندگاری آنها پای بندی داشت.

مهدوی از دوستان نزدیک مجتبی مینوی بود و مینوی او را یکی از چهار عضو هیئت امنای کتابخانه اهدایی خود بر بنیاد شاهنامه فردوسی قرار داده بود. در مدت سی سال که از درگذشت مینوی گذشته است او همواره با شور و شوق در جلسات هیأت امنای شرکت می‌کرد

* دکتر اصغر مهدوی: از او و با او، به کوشش نادر مطّلی‌کاشانی، سید محمدحسین مرعشی (تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳)، صص ۴۳۱ - ۴۴۵. ۷





و چون کلید صندوق نسخه‌های خطی و اسناد و مدارک نوشته‌ای و عکسی آن کتابخانه به تقاضای دیگر اعضا به مهدوی سپرده شده بود ایشان، به دلخواهی و بی‌کراهتی این زحمت را پذیرفته بود. ناچار هر بار برای آنها که می‌خواستند نسخه خطی ببینند از خانه دور افتاده خود به دلپذیری به کتابخانه می‌رفت و نسخه را برای دیدن مراجعه‌کننده در اختیار کتابدار می‌گذارد. ایشان آقای دکتر مصطفی محقق داماد را به جای خود برگزیده است.

■ بازگردیم به نسخه‌های خطی و علاقه‌های مهدوی بدین رشته. موقعی که در بهار ۱۳۵۷ پیش‌بینی شده بود که نمایشگاهی از هنر جلدسازی و صحافی سنتی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در مهر ماه ترتیب داده شود دکتر اصغر مهدوی با شور و حال خاصی به انتخاب جلدها و بازشناسی آنها یاری مؤثر کرد. در جلسه‌های مشورتی که از متخصصان مانند جعفر سلطان‌القرایی، محمدتقی دانش‌پژوه، یحیی ذکاء و دیگران تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد. همان طور که در این چهار سال اخیر از ارشاد و حمایت و دلسوزی در مورد «نامه بهارستان» (مجله مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی) از انتشارات کتابخانه مجلس کوتاهی نداشت و یکی از مشاوران علمی آن نشریه بود و می‌دانم که آقای نادر مطلبی‌کاشانی (سردبیر مجله) گاه به گاه برای شور با ایشان به خدمتشان می‌رفت و مهدوی با حوصله و از سر دلسوزی آنچه باید گفت می‌گفت.

به شرکت در کنگره‌های تخصصی نسخه‌شناسی علاقه داشت. من سعادت داشتم که با هم به مجمع علمی مربوط به ضوابط و قواعد نسخه‌شناسی یک بار به بولونیا (ایتالیا) و بار دیگر به استانبول (برگزار شده توسط مرکز باستانشناسی آلمان در ترکیه و لبنان) رفتیم و او در هر دو مجمع فیض‌رسان بود و متخصصان از او استفاده می‌کردند و از نفایس مجموعه‌اش پراسان می‌شدند. نیز دعوت شده بود که در مجمع علمی مربوط به «سفینه تبریز» که در اواسط ماه خرداد امسال در لایدن (هلند) تشکیل شد شرکت نماید ولی فرارسیدن مرگ، شرکت‌کنندگان را از دریافت کردن آگاهی‌هایی که او می‌توانست در آن مجمع ابراز کند محروم ساخت.

در زمینه معرفی نسخه‌های خطی، یکی از کارهای ارجمند او فهرست‌نگاری مندرجات جنگ اسکندر میرزای تیموری است که نسخه‌اش در کتابخانه بریتانیا نگاه‌داری می‌شود. این معرفی‌نامه در جلد بیست و ششم فرهنگ ایران زمین (۱۳۶۵) چاپ شده است. دیگر تنظیم جدول تطبیقی است از اختلاف ضبط در نسخه‌های خطی مهم دیوان حافظ (هجده نسخه) که در نامواره دکتر محمود افشار جلد نهم (۱۳۷۵) چاپ شده است. جدول‌هایی که در این مورد برای نمایاندن تفاوت‌ها ترتیب داده است حکایت می‌کند از این که با چه دقت و حوصله‌ای هر کلمه‌ای را در هجده نسخه دیده و یکی را با دیگری به مقایسه کشانیده است.

■ همین جا به یادم افتاد که باید از همکاری مفید دکتر مهدوی با دکتر حسین محبوبی اردکانی در کار دیگری یاد کنم و آن تهیه فهرست و شناساندن اشخاص در عکسهای قدیمی بود که کتابخانه مرکزی توانسته بود اصل آنها را از این گوشه و آن گوشه خریداری کند.

آن قدر که یاد دارم مدت دو سالی این کار دوام داشت و هفته‌ای یک روز آن دو دانشمند تهیه آن فهرست را دنبال می‌کردند.

■ و بار دیگر در سمینار مقدماتی نسخه‌های خطی که کتابخانه مجلس در سال ۱۳۷۹ در تهران تشکیل داد علاقه‌مندان را با گوشه‌های مجموعه‌ای [از گنجینه اسناد خاندانی وی] که باید هر علاقه‌مند به تاریخ و اسناد ایران آن را بشناسد بخوبی آگاه کرد.

ایرج افشار

